

تالاب‌ها از مهم‌ترین زیست‌بوم‌های کره زمین برای حفظ تنوع زیستی، تنظیم اکوسیستم و تامین معیشت انسان‌ها به شمار می‌روند.

ارزشهای بی‌بدیل تالابها برای پشتیبانی از تنوع زیستی وابسته به این زیست بومها سبب گردیده است که کنوانسیون جهانی حفاظت از تالابها (رامسر-۱۹۷۱) شکل بگیرد که در حال حاضر ۱۷۱ کشور در آن عضو هستند و کشورمان یکی از بنیان گذاران این کنوانسیون و خاستگاه آن بوده است.

تأثیر و تأثر متقابل اجزای فیزیکی و بیولوژیکی تالاب کارکردهای حیاتی متعددی برای آن ایجاد می‌کند که از جمله این کارکردها می‌توان به: ذخیره‌سازی آب، حفاظت در مقابل طوفان و گرد و غبار، تعدیل سیل و کاهش قدرت تخریب آن، تثبیت خطوط ساحلی و مهار فرسایش، تغذیه آب‌های زیرزمینی (از تالاب به سفره‌های زیرزمینی)، تخلیه آب‌های زیرزمینی (از سفره‌های زیرزمینی به تالاب)، پالایش آلاینده‌های آب و تعدیل آب و هوای محلی اشاره نمود.

بطور کلی کارکردها و خدمات تالابها در ۴ گروه زیر دسته بندی می شوند:

۱- خدمات حمایتی (Supporting Services)

- حمایت از کشاورزی، از طریق نگهداری سطح ایستابی آبخوان‌ها و حفظ مواد غذایی در دشت‌های سیلابی
- حفظ رسوب
- حمل و نقل

۲- خدمات فراهم‌سازی (Provisioning Services)

- تامین آب (کمی و کیفی)
- تامین ماهی (درصد قابل توجهی از محصول ماهی دنیا به سلامت تالاب‌ها مربوط می‌شود)
- نیزارها، گل، الوار و مصالح ساختمانی
- منابع انرژی همچون تورب و مواد گیاهی
- منابع حیات وحش
- حفظ مواد غذایی
- طیف وسیعی از دیگر محصولات تالابی، شامل داروهای گیاهی

۳- خدمات تنظیمی (Regulating Services)

- حفاظت از طوفان و تخفیف سیلاب
- تثبیت خط ساحلی و کنترل فرسایش
- تغذیه آب زیرزمینی (حرکت آب از تالاب به سفره‌های زیرزمینی)
- تخلیه آب زیرزمینی (حرکت آب از سفره‌های زیرزمینی به سطح تالاب)
- تصفیه آب
- پالایش آلاینده‌ها
- تعدیل شرایط اقلیم محلی، بویژه بارش باران، درجه حرارت و رطوبت

۴- خدمات فرهنگی (Cultural Service)

- فرصت‌های گردشگری و تفرج
- ارزشهای تاریخی و هویت فرهنگی

چالشها و معضلات تالابهای کشور

تالابها به دلیل واقع شدن در پست‌ترین نقاط حوضه‌های آبریز، معمولاً تحت تاثیر اغلب تغییرات و تحولات بالادست و توسعه ناپایدار در سطح حوضه‌های آبریز قرار می‌گیرند، بنابراین با انواع مشکلات دست به گریبان هستند که بارزترین آنها عبارتند از:

الف. کاهش آب ورودی به تالابها از منابع آب سطحی و زیرزمینی حوضه آبریز و دشت‌های اطراف تالابها (عدم تامین حقایق زیست محیطی تالابها) بویژه در اثر اجرای پروژه‌های سدسازی، انتقال آب بین حوضه‌ای، برداشت مستقیم آب از تالاب و زهکشی و خشکاندن تالابها - مثال: تالابهای گاوخونی، بختگان، هامونهای سیستان، هامون جازموریان، تالابهای حوضه دریاچه نمک، صالحیه یا الله آباد (قزوین)، کمجان (فارس)، تالابهای گوری بلمک، تنورد و بیشه دالان در لرستان، شور گلپایگان (اصفهان) و دریاچه ارومیه و تالابهای اقماری آن

ب. اجرای طرح‌های توسعه‌ای و زیر بنایی بزرگ بدون رعایت ملاحظات زیست محیطی در محدوده‌های اثر گذار تالابها - مثال: میدانهای نفتی آزادگان در هورالعظیم، میانگذر دریاچه ارومیه، کنارگذر بندر انزلی، صنایع نفت و گاز و صنایع وابسته در جوار تالابهای ساحلی بویژه خور موسی و الامیه و خلیج نایبند و پالایشگاه امیر آباد در جوار میانکاله،

ج. ورود انواع آلاینده‌های کشاورزی، مراکز جمعیتی، آلاینده‌های صنعتی و نفتی و ورود رسوب بیش از حد طبیعی به تالابها - مثال: تالابهای انزلی، امیرکلايه (لاهیجان)، گمیشان (گلستان)، هورالعظیم، شادگان و مهارلو؛

د. شکار و صید غیر مجاز و بی‌رویه و برداشت علوفه و سایر محصولات تالابی، بیش از حد توان تجدید پذیری تالاب؛

ه. تغییر کاربری اراضی تالابی برای امور کشاورزی و غیره؛

و. راهیابی گونه‌های غیر بومی و مهاجم به تالابها؛

ز. تغییر اقلیم (کاهش بارشها و تغییر الگوهای بارش و افزایش دما)

ح. چالشهای فرامرزی در حوضه‌های آبی مشترک؛

چالشهای فوق الذکر اثرات تخریبی بلند مدتی را به تالابها وارد می‌نمایند که مهمترین آنها عبارتند از:

- افزایش شوری آب تالاب، مثل: دریاچه ارومیه، هورالعظیم و شادگان؛
- کاهش ظرفیت زیستگاهی و حمایت‌کنندگی تالاب از تنوع‌زیستی وابسته به آنها، مثال: اغلب تالابهای کشور؛
- قطعه قطعه شدن زیستگاه که عمدتاً ناشی از احداث راه و تصرف اراضی برای کشاورزی در این مناطق می‌باشد. مثال: دریاچه ارومیه و تالابهای انزلی، شادگان و هورالعظیم
- تغذیه‌گرایی (بیوتریفیکاسیون) تالابها، بویژه آنهایی که در نزدیکی شهرها و مراکز صنعتی و کشاورزی قرار دارند و آلودگی‌ها از طریق رودخانه وارد آنها می‌شود. مثال: تالابهای انزلی، نوروزلو (آذربایجان غربی)، قوریگل و قره قشلاق (آذربایجان شرقی)، شادگان و هورالعظیم؛

- گسترش گونه های غیربومی و مضر، - مثال: آزولا و سنبله آبی در تالاب انزلی، تیلایا در تالاب شادگان و ماهی کاراس در دریاچه نئور؛
 - کاهش شدید توان حمایت کنندگی اقتصادی تالابها از جوامع بهره بردار و بومی، - مثال: هورالعظیم، شادگان، انزلی، خور موسی، خلیج نایبند، هامونهای سیستان و میانکاله و خلیج گرگان؛
 - تنزل چشم انداز و افول ارزشهای فرهنگی و هویتی تالاب، مثال: تالاب انزلی، هامونهای سیستان، هورالعظیم و شادگان؛
 - خشک شدن تالاب، مثال: گاوخونی، پریشان، بختگان و هامونهای سیستان؛
 - صدمه به جوامع مرجانی، علفهای دریایی و زیستگاههای لاک پشت دریایی در اغلب تالابهای ساحلی؛
- متاسفانه وجود بیش از یک مورد از معضلات بالا در تالابها اثرات تجمعی مضاعفی را ایجاد می کند که منجر به تسریع در روند نابودی تالابها میگردد.
- یکی از آثار تشدید تخریب و تالابها، تبدیل شدن بخش های وسیعی از بستر تالابها به منشاء برداشت گرد و غبار و شدت بخشیدن به غلظت ریزگردها در اطراف تالاب می باشد که در برخی موارد اثرات آن از مرزهای کشورها نیز عبور کرده و بخشهای وسیعی از کره زمین را در بر میگیرد. مثل کانونهای گرد و غبار بین النهرین و دریاچه آرال؛
- در ایران نیز پدیده گرد و غبار متاسفانه به یک پدیده تشدید شونده و گسترش یافته تبدیل شده و بخش مهمی از کانونهای برداشت گرد و غبار بستر خشک شده تالابهای کشور می باشد. مطابق جدول (۷) بخش هایی از مساحت تعداد ۴۵ تالاب کشور به منشاء گرد و غبار تبدیل شده اند که آخرین مساحت خشک شده در جدول مذکور ارائه شده است. در مجموع از مساحت حدود ۲/۱ میلیون هکتاری این تالابها بیش از ۵۵٪ یعنی حدود ۱/۲ میلیون هکتار در حال حاضر خشک بوده و منشاء گرد و غبار هستند.

جدول (۷) - تالابهای منشاء گرد و غبار کشور - انتهای تابستان ۱۳۹۸

ردیف	نام تالاب	مساحت کل (هکتار)	مساحت خشک شده تالاب	
			٪	(هکتار)
۱	دریاچه ارومیه	۵۴۴۰۰۰	۴۸	۲۶۱۸۴۹
۲	تالاب یادگارلو	۳۴۰	۹۰	۳۰۶
۳	دورگه سنگی	۶۴۰	۱۰	۶۴
۴	تالاب قره قشلاق	۴۰۰۰۰	۳۰	۱۲۰۰۰
۵	تالاب آلاگل	۲۵۰۰	۰	۰
۶	تالاب آلماگل	۲۱۰	۱۰	۲۱
۷	تالاب آجی گل	۳۲۰	۱۰	۳۲
۸	آبگیرهای دشت مغان	۳۰۰۰	۴۰	۱۲۰۰
۹	تالاب گل بی بی	۴۰	۲۵	۱۰
۱۰	تالاب جازموریان	۱۰۸۰۰۰	۹۰	۹۷۲۰۰
۱۱	تالاب هشیلان	۴۵۰	۴۰	۱۸۰
۱۲	تالاب آق گل	۸۳۰	۲۰	۱۶۶

۴۶۸۰	۴۰	مرکزی	۱۱۷۰۰	تالاب میقان	۱۳
۱۶۰	۵۰	تهران	۳۲۰	تالاب بند علیخان	۱۴
۴۷۷۰	۳۰	خوزستان	۱۵۹۰۰	تالاب دز	۱۵
۳۹۰۰	۳۰	خوزستان	۱۳۰۰	تالاب کرخه	۱۶
۷۵۰	۳۰	خوزستان	۲۵۰۰	تالاب کارون	۱۷
۹۰۰۰	۳۰	خوزستان	۳۰۰۰۰	تالاب سوسنگرد	۱۸
۱۶۰۰۰۰	۴۰	خوزستان	۴۰۰۰۰۰	تالاب شادگان	۱۹
۲۸۱۶۰	۲۲	خوزستان	۱۲۸۰۰۰	تالاب هورالعظیم	۲۰
۲۴۴	۱۰	خوزستان	۲۴۴۴	تالاب میانگران	۲۱
۱۴۱۹۴۲	۸۵	سیستان و بلوچستان	۱۶۶۹۰۰	هامون صابری و هیرمند	۲۲
۷۰۰۰	۷۰	سیستان و بلوچستان	۱۰۰۰۰	هامون پوزک	۲۳
۱۲۳۹	۳۰	بوشهر	۴۱۳۰	تالاب نای بند	۲۴
۱۶۵۰۰	۵۰	بوشهر	۳۳۰۰۰	مند	۲۵
۲۲۴۰۰	۵۰	بوشهر	۴۴۸۰۰	حله	۲۶
۹۵۵۵۰	۷۰	فارس	۱۳۶۵۰۰	تالابهای بختگان	۲۷
۴۱۴۰	۹۰	فارس	۴۶۰۰	تالاب کافتی	۲۸
۳۰	۳۰	فارس	۱۰۰	تالابهای هفت برم	۲۹
۶۶۰	۳۰	فارس	۲۲۰۰	تالاب ارژن	۳۰
۳۸۷۰	۹۰	فارس	۴۳۰۰	تالاب پریشان	۳۱
۲۱۶۰	۱۰	فارس	۲۱۶۰۰	تالاب مهارلو	۳۲
۸۰	۵۰	فارس	۱۶۰	برم شور	۳۳
۴۰۶۵	۵۰	فارس	۸۱۳۰	هیرم	۳۴
۵۰۰۰	۵۰	فارس	۱۰۰۰۰	هرم و کاریان	۳۵
۹۵۰۰	۵۰	فارس	۱۹۰۰۰	تالاب دشت کنار	۳۶
۱۷۶۰۰۰	۸۰	قم	۲۲۰۰۰۰	دریاچه نمک	۳۷
۲۵۹۰۰	۷۰	قم	۳۷۰۰۰	حوض سلطان	۳۸
۷۵۰۰	۷۵	قم	۱۰۰۰۰	مره	۳۹
۵۷۲۴۰	۹۰	اصفهان	۶۳۶۰۰	تالاب گاوخونی	۴۰
۳۶۰۰	۹۰	قزوین/البرز	۴۰۰۰	تالاب الله آباد صالحیه	۴۱
۸۴	۷۰	لرستان	۱۲۰	گوری بلمک پل دختر	۴۲

۹۸	۳۰	لرستان	۳۲۶	تالاب بیشه دالان	۴۳
۹۰	۹۰	لرستان	۱۰۰	تالاب تنور در	۴۴
۹۰۰	۹۰	سمنان	۱۰۰۰	کال شور	۴۵
۱۱۷۰۲۷۰	۵۶		۲۱۰۵۸۰۰	جمع	

پیامدهای اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی ناشی از نابودی تالابها حتی ممکن است به گسترش فقر و مهاجرت‌های اجباری که از آن به عنوان مهاجرت‌های زیست محیطی یاد میشود منجر گردد، مثل مهاجرت مردم منطقه سیستان که در خشکسالی‌های هامون‌های سیستان در دهه ۴۰ خورشیدی روی داد.

اثرات تخریب تالابها در مقیاس جهانی نیز قابل توجه است، بطوریکه حدود ۲۰٪ منشاء گازهای گلخانه‌ای جهان نتیجه تخریب و تغییر کاربری پیت‌لندهای کره زمین بویژه پیت‌لندهای آندونزی می‌باشد. گزارش ارزیابی اکوسیستم هزاره (MEA^۱) نشان داد که اکوسیستم‌های تالابی نسبت به بقیه اکوسیستم‌ها با سرعت بیشتری در حال نابودی‌اند.

در گزارشی تحت عنوان "تغییرات در ارزش جهانی خدمات اکوسیستم"^۲ آمده است هزینه‌های از دست دادن تالاب‌های آب شیرین در سطح جهان از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۱ به میزان ۲/۷ تریلیون دلار در سال، هزینه تخریب تالاب‌های جزر و مدی و جنگل‌های مانگرو ۷/۲ تریلیون دلار در سال و هزینه از بین رفتن صخره‌های مرجانی ۱۱/۹ تریلیون دلار در سال تخمین زده شده است.

دکتر مسعود باقرزاده کریمی

مدیرکل دفتر حفاظت و احیاء تالابها

۱۹ آذر ۱۳۹۸

^۱ Millennium Ecosystem Assessment

^۲ Changes in the Global value of Ecosystem Services